

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

۱۰/۱۱/۱۲

## سازمانها و مطبوعات مقاومت افغانستان

از کودتای ۷ ثور تا خروج عساکر شوروی از افغانستان

(۱۹۷۸ - ۱۹۸۹)

سید ولید صاعد

انجمن فرهنگی افغانستان

انتشارات بامیان

بسم الله الرحمن الرحيم

این نوشته «سازمانها و مطبوعات مقاومت افغانستان» در سال ۱۹۹۴ به زبان فرانسوی به رشته تحریر در آمد و تا امروز ، با وجود آرزو ، این امکان دست نداد تا اثر مذکور را با تغییراتی که در عنوان و متن صورت گرفته ، به زبان فارسی - دری تقدیم خواهران و برادران هموطن نمایم .

هدف از چاپ فعلی این رساله ، معرفی گوشه ای از مبارزات و فعالیت های فرهنگی و ادبی مردم ما می باشد که بیرون از مرز های کشور ، جهت مبارزه علیه استعمار شوروی و حامیان بومی آن به پیش برده شد .

قابل اذعان میدانم که در عالم آوارگی ، دست یابی به تمام اخبار و جراید پراکنده مقاومت کاری بود مشکل ، اما در حد امکان کوشش گردیده تا همه مجلات و جرایدی که از کودتای ۷ ثور تا خروج عساکر شوروی از افغانستان ، برای مدت کم و یا زیاد در فضای ادبی و کلتوری مقاومت مردم افغانستان بیرون زده اند ، ثبت این رساله گردد .

البته این قدم اولی است در معرفی مطبوعات بیرون مرزی مقاومت مردم ما و یک دوره حساس از تاریخ مبارزات مردم ما علیه اشغالگران ، که به هیچ وجه خالی از کمبود و اشتباه نبوده آرزو مندم این کار به یمن همت هموطن دیگری تکمیل گردیده و روزی اثر کامل تری تقدیم هموطنان گرامی گردد .

از آنایکه نسبت مشکلات نتوانسته ام به نشرات شان دست یابم تا در این رساله نام ببرم قبلاً معذرت می خواهم .

ولید صاعد

فرانسه سپتامبر ۲۰۰۹

## فهرست مطالب

### مقدمه

بخش اول : کودتای هفت ثور

- شبنامه ها

- مطبوعات رژیم کابل

بخش دوم : تهاجم شوروی به افغانستان

- در ساحه نظامی

- در ساحه سیاسی

- در ساحه فرهنگی

- در ساحه معارف

بخش سوم : سازمانها و نیروهای مقاومت

- نقش ملاها در عرصه مقاومت

- نقش پیران طریقت در عرصه مقاومت

- نقش سران قومی و قبایلی در عرصه مقاومت

- احزاب اسلامی تندرو در عرصه مقاومت

- سازمانهای اسلامی اهل تشیع در عرصه مقاومت

- سازمانهای ملی و دموکراتیک در عرصه مقاومت

بخش چهارم : مطبوعات و نشرات مقاومت

- نشرات سازمانهای تندرو اسلامی

- نشرات سازمانهای اسلامی معتدل

- نشرات غیر وابسته افغانی در پاکستان

- نشرات سازمانهای شیعه

- نشرات سازمانهای ملی و دموکراتیک در کشور

های دیگر

بخش پنجم : دیگر نشرات مقاومت

- جزوه ها

- رساله ها

- کتابها

- جزوه ها و رساله های شعری

- داستانهای مقاومت

بخش ششم : سیما و چگونگی مطبوعات مقاومت

- چگونگی مطبوعات سازمانهای اسلامی

- چگونگی مطبوعات ملی گرایان

- مطبوعات مقاومت از لحاظ کمی
- مطبوعات مقاومت از لحاظ کیفی
- نقد ادبی و نقد شعری
- داستان نویسی
- نقد رساله و کتاب
- چند سخن در آخر

## مقدمه :

ایران ، افغانستان <خراسان> و ماورالنهر که در طول سه هزار سال و با کوشش مشترك ، فرهنگ و تمدنی درخشانی را بپا داشته و فارسی و < دُر لفظ دری > را به اقوام دیگر عرضه نموده بودند «امروز حق دارند بدان مباحثات کنند و وظیفه دارند در حفظ و یکپارچگی آن بکوشند.» <۱>

اما لهجه فارسی را با چند و چونش در سر زمین ایران چیزی و لهجه های دری و تاجیکی افغانستان و ماورالنهر را هر کدام به نحو دیگر در میابیم و برای چرائی آن دو دلیل داریم :

برای دلیل اول از جناب داکتر ذبیح الله صفا نقل میکنیم که میگوید : « چنانکه میدانیم تا اواخر قرن چهارم ادبیات دری تنها به نواحی شرق ایران یعنی سیستان و خراسان و ماورالنهر اختصاص داشت زیرا لهجه ای که با آن اولین آثار ادبی ایران دوره اسلامی بوجود آمد متعلق به همین نواحی بود.» <۲>

دلیل دوم آنکه زبان و خط بخشی از دست آورد های فرهنگی يك جامعه است که ولو دری و فارسی و تاجکی ز يك جوهر اند ولی در قالب های جغرافیائی و نظام های سیاسی و اجتماعی مختلف که فراز ها و نشیب ها داشته گهی شگوفا و گهی پژمرده بوده اند، رشد و بالندگی یافته اند.

بنابر دو دلیل گفته شده بالا بر نظر محترم محمد امین رباحی می توان با حیرت مکت نمود که می گوید: « برای تضعیف زبان فارسی به طور مصنوعی تمایلاتی بر انگیزته شده بود ، به جای زبان فارسی نام کهن تر آن ( دری ) را معمول کردند چنانکه در ماورالنهر تعبیر تاجیکی معمول شده بود.» <۳>

بعد از ظهور دین اسلام ، واژه های عربی با زبان دری در آمیخت و به هر اندازه ای که فرهنگ اسلامی در منطقه گسترش می یافت به همان اندازه کلمات عربی در ادبیات فارسی و دری بیشتر می گردید ولی با این تفاوت که در بوستان فارسی شاخه کهن دری بیشترین تحت تاثیر زبان تازی قرار گرفت « بدین ترتیب زبان دری وسعت یافت و دولتها و مردم افغانستان اعم از دری زبان و ترکی زبان حامی و ناشر جدی زبان و ادب دری در داخل و خارج کشور گردیدند که بعدها پشتونها نیز در ساحه هندوستان به پخش و ترویج زبان دری پرداختند.» <۴>

با گسترش تمدن اسلام در افغانستان مدرسه ها پایه گذاری شد و تحقیق و نویسندگی و شاعری در گرو واژگان تازی افتاد و فصاحت و بلاغت اهل قلم را در خود گرفتار نمود . تحول لغات عربی به دری آنطور که در ایران در اصطلاحات مذهبی ، اداری و هنری مایه اندوخت ، در افغانستان به کندی پیش می رفت ولی بعد از جنبش مشروطه خواهی در افغانستان نیز کم کمک آغاز گردید و در چندین دهه اخیر سرعت گرفت چنانکه يك تعداد افعال معنی وضعی به خود گرفت و بعضی جمع ها به مفرد آمدو جمع فارسی رواج بیشتر یافت .

در عهد ابدالیان مدارس و علوم قدیم رواج بیشتر یافت « مگر این فرهنگ در احیای مجدد خود نیز بیشتر از یادگار دوره انحطاط چیزی بیشتر نبود در حالیکه در خارجه فرهنگ و ادبیات و صنایع ظریفه جدید در پهلوی علوم و صنایع و اکتشافات برق و بخار و چاپخانه و غیره از مدت بیشتر زندگی بشر را تغییر بی سابقه داده و جهان کهن را به دنیای نوینی تبدیل کرده بود. » < ۵ >

انگلیس هاز (۱۶۰۰) تا (۱۸۸۶) نیم قاره هند دیروزی را تحت تسلط خویش در آوردند و در این جریان در امور افغانستان نیز مداخله را آغاز نمودند.

روسها نیز بعد از اشغال ترکمنستان ، تاشکند، بخارا، سمرقند، خوجند، گرجستان و قفقاز در رقابت با انگلیسیان از هیچگونه مداخله در امور افغانستان دریغ نورزیدند.

امیر دوست محمد خان به حیث سر سلسله قوم محمد زائی پنجاه و دو فرزند بیست برادر داشت و در عهد امارت او نظام ملوک الطوائفی شدت گرفت و انگلیس با تهاجم نظامی خود چهار سال تمام ملت افغانستان را در يك جنگ نا برابر قرار دادند.

جامعه چندین ملیتی افغانستان بنا بر عدم رشد اقتصادی و اجتماعی ، به آن مرزی نرسیده بود که پشتونها ، تاجیکها ، هزاره ها ، ازبک ها، بلوچها و دیگران را در يك پیکره واحد قرار دهد و با آنکه هر طایفه و قومی به زبان خود ش ارج میگذاشت ولی زبان دری به حیث زبان امور تجاری ، معاملاتی ، سیاسی و اداری افغانستان بود همانطور که زبان پشتو نیز زبان فرهنگی و ادبی کشور ما را تشکیل داده و می دهد .

امیر شیر علی خان پسر امیر دوست محمد خان، در دوره دوم پادشاهی خود که علیه انگلیس ها نفرت داشت بر اساس نصایح سید جمال الدین افغانی به اجرای يك سلسله اصلاحاتی پرداخت که با دومین تجاوز انگلیس بر افغانستان روبرو شد و از میان رفت.

« امیر شیر علی خان اولین پادشاه سلسله محمد زائی بود که با خارجیان علیه کشورش معامله ناجایز نکرد و نه از يك وجب خاک افغانستان به نفع دیگران گذشت . » < ۶ >

اولین قدم در راه ایجاد مطبوعات رسمی و « آشنائی مردم افغانستان با دگرگونی های دنیای خارج در زمان این امیر به وسیله انتشار جریده شمس النهار برداشته شد، چون مطالب مربوط به کشور های دیگر از هر قبیل در این جریده از طریق ترجمه چاپ می شد می توان گفت اساس ترجمه نیز در همین عهد گذاشته شد. » < ۷ >

بعد از امیر شیرعلی خان پسرش امیر محمد یعقوب خان به امارت رسید و در طول چند ماهه پادشاهی خود معاهده «گندمک» را با انگلیس امضاء کرد و از خود لکه ننگی در تاریخ افغانستان به جا ماند .

وقتی نوبت به امیر عبدالرحمن خان رسید همه چیز در دو هجوم انگلیس از هم پاشیده بود . « این سپهدار قابل و اداره چی ماهر و سیاستمدار سنگدل » < ۸ > اداره مخوفی را بر روی ارتش منظم و شبکه های جاسوسی و کشتار و شکنجه و جنگ و تولید خوف و رعب بنیاد نهاد.

و اما در قسمت فرهنگ « هیچ نقطه درخشانی در تاریخ این عهد دیده نمی شود . بی اعتنائی امیر در این زمینه تا جایی بود که می توان آن را «تعند و تعمد» او در جلو گیری از فرهنگ نامید ، زیرا او خود از تمدن و فرهنگ جدید جهان آگاه بود اما يك مکتب نساخت و يك روزنامه تأسیس نکرد در حالیکه افغانستان با هر دو سابقه داشت . فقط چند چاپخانه وارد کرد و چند کتاب و رساله بر مبنای اطاعت اولوالامر و تحویل مالیات در وقت موعود و چند نظامنامه اداری چاپ نمود . بر عکس مطبوعات و رسالات مسموم کننده خرافی و اساطیری از هندانگلیسی مثل سیل در افغانستان می ریخت و نسل جوان کشور را با رجعت فقهرائی به جانب فالگیری و تاریکی رهنمونی می نمود .»

« ۹ »

کودکان و نوجوانان افغانستان مانند سابقه ها در نزد امامان مسجد ها و یا در بعضی مکتب خانه های شخصی از طریق خواندن کتاب های مذهبی و صرف و نحو عربی و غیره به نوشتن و خواندن آشنا می شدند . در خانه ها اگر يك فرد با سواد بود حافظ و گلستان و بوستان و یوسف ذلیخا و شاهنامه فردوسی را برای دیگران قرائت میکرد و اگر هیچ باسوادی نبود پیره زنان افسانه های نیکی و بدی چهار پری ، و ورقه و گلشاه را از حافظه به دیگران می شنواندند .

بعد از مرگ امیر عبد الرحمن خان پسرش حبیب الله خان ۱۹۰۱- ۱۹۱۹ به پادشاهی رسید . اما او دیگر نمی توانست افزار تعذیب و شکنجه جسمی و روحی را بر ملت جاری نگهدارد . او به عکس ، بقای خویشتن را در تحول دید و برای بار اول معارف و فرهنگ جدید را با تأسیس اولین مکتب «حبیبیه» ۱۹۰۳ رسمیت بخشید .

دومین کارنامه امیر حبیب الله خان نشر جریده «سراج الاخبار» بود که در سال ۱۹۰۵ تحت سرپرستی مولوی عبدالرؤف خاکی به نشر رسید ولی با اولین شماره توقیف گردید و بار دیگر در سال ۱۹۱۱ تحت سرپرستی محمود طرزی که از تبعید ترکیه به افغانستان آمده بود به دست نشر سپرده شد . از مقالات اولین شماره سراج الاخبار « چنین بر می آید که در آن هنگام آثار بیداری و تجدد و مدنیت اروپا به کابل رسیده و مردم و دربار را تحت تاثیر قرار داده بود و هم این مطلع فکر جدید در ادبیات معاصر افغانستان بود .» « ۱۰ »

سراج الاخبار بعد از رفع توقیف برای بار دوم از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۸ تحت سرپرستی محمود طرزی دو بار در ماه ، در شانزده صفحه به چاپ میرسید . هدف سراج الاخبار بیداری افکار و شعور سیاسی و تقویت زبان دری و دادن معلومات از جریانات داخلی و خارجی بود . « اما نباید نگفته گذشت که يك تعداد جراید هندی ، ترکی و جراید فارسی مانند اختر استانبول ، حبل المتین کلکته و مطبوعات ایرانی به طور مخفی از کتابخانه شاهی به دست روشنفکران قرار می گرفت . همچنان آثار منتشره ایرانی از قبیل نسیم شمال ، صبح صادق ، صور اسرافیل ، ایران نو ، استقلال ایران ، بهلول ، ملانصرالدین ، مجله بهار ، کدام ها به دست روشنفکران افغانی میرسیده است .» « ۱۱ »

به علاوه نشرات گفته شده بالا يك تعداد آثار محمود طرزی مانند ترجمه های او از آثار ژول ورن نویسنده فرانسوی با عناوین «سیاحت در زیر بحر- جزیره پنهانی - سیاحت به دور زمین - سیاحت در جو هوا - ویا تألیفات او مانند «جنگ روسیه و جاپان» ، کتاب حقوق بین الدول» و دیگر نوشته هایش مورد استفاده با سواد ها بود .

اما مهمترین اثر تاریخی که زیر نظر امیر حبیب الله خان تدوین شد سراج التواریخ است که در معرفی افغانستان نوین کوشیده است .

چون امیر حبیب الله به مشروطه تن در نداد و پی استقلال کامل افغانستان نرفت در سال ۱۹۱۹ توسط فرد ناشناسی به قتل رسید و پسرش امان الله جوان پادشاه افغانستان شد « ۱۲ »

بعد از جنگ دوماهه با انگلیس و تحصیل استقلال کامل افغانستان ، برای بار اول در افغانستان قانون اساسی و دهها قانون دیگر تدوین گردید که در آن از زبان رسمی ذکر نرفته بود ، اما در هر حال زبان دری زبان دوایر رسمی و تجارت و سیاست بود و برای زبان پشتو نیز پروگرام اصلاحاتی رویدست گرفته شد.

شاه امان الله به زنان افغانستان حق آزادی داد» در سفر به ایران که هنوز بر نامه رفع حجاب نسوان رویدست نبود ، ظاهر شدن ملکه افغانستان بدون حجاب عکس العمل منفی تولید کرد و ملاقات شاه امان الله با رضاشاه رسمی و عاری از صمیمیت و گرمی و احساسات بود. « (۱۳)

در کابل چند مکتب عالی امانی و مکتب امانیه و دهها مکتب ابتدائی در ولایات افغانستان تأسیس شد . به جای جریده سراج الاخبار عهدامیر حبیب الله خان ، جریده «امان افغان» به حیث جریده رسمی و دولتی انتشار می یافت . چون قانون اساسی آزادی های قلم و بیان را مجاز شمرده بود به تاسی از آن يك تعداد اخبار و جراید ملی مانند: « اخبار انیس به سر محرری غلام محی الدین» و جریده «افغان» به سر پرستی پاینده محمد فرحت و نیز جراید «نسیم سحر» به امتیاز احمد راتب، و «پشتون ژغ» به مدیریت فیض محمد ناصری و جریده «نوروز» به مسؤلیت محمد نوروز خان به نشرات آغاز نمودند. ناگفته نباید گذاشت که کلام منظوم نیز تا حدودی تغییر نمود و به جای غلو در وصف شمع و شاهد و شراب در قالب همان عروض و قوافی قدیم ، مضمون و معانی جدید اجتماعی و سیاسی و ملی ریخته می شد .

تأسیس اولین هسته مرکز تعلیمات عالی به نام «اعدادیه امانی» و مکتب طب عصری، مکتب دختران و مکتب های زبان های ترکی و فرانسوی و جرمنی نخستین روزنی بود که راه فراگیری علوم و ادبیات غربی را در افغانستان باز نمود.

اما حبیب الله کلکانی بعد از خلع شاه امان الله به استثنای «جریده حبیب الاسلام» که خودش آنرا تأسیس نمود، بقیه باب فرهنگ و جریده و مکتب را مسدود نمود. حبیب الله کلکانی يك پادشاه خوب نبود ولی يك نشان زن ماهر و يك جوانمرد خوب بود .

محمد نادر خان در ۵ اکتوبر ۱۹۲۹ به پشاهای نه ماهه امیر حبیب الله کلکانی پایان بخشید و دومین قانون اساسی را در ۳۱ اکتوبر ۱۹۳۱ توشیح نمود. در قانون اساسی مذکور آزادی های مروج صراحت نداشت و نه در عهد کوتای او انتخابات آزاد پارلمانی تحقق یافت . به جراید ملی اجازه انتشار داده نشد و جریده «انیس» بعد از زندانی شدی صاحب امتیاز آن به جریده دولتی مبدل گردید.

اما در عهد محمد نادر شاه اولین انجمن ادبی (۱۳۱۰) تأسیس گردید و در مرانامه انجمن که در اولین شماره مجله کابل به نشر رسیده چنین آمده است: « توحید املاء و انشاء و اسلوب - تثبیت اصول تنقیط و اعجام - وضع توحید اصطلاحات علمی - مرآوده و مکاتبه با ادبا و صاحبان ذوق ادبی در داخل و خارج کشور...» (۱۴)

همچنان تأسیس انجمن دایرةالمعارف در سال ۱۳۲۷ « در پرورش و تکامل نثر دری ، خاصه نثر علمی چندان پر ارزش و ستودنی است که هر گز فراموش نتواند شد. « (۱۵)

بعد از قتل محمد نادر خان پسرش محمد ظاهر خان در سال ۱۹۳۳ که ۱۹ سال داشت به پادشاهی رسید. چون محمد هاشم خان هنوز صدراعظم بود اختیار امور را در دست خود گرفت.

در این دوره هر گونه نشریه و انتقاد و حرکت سیاسی آزاد به کیفر شدید روبرو می شد. «در سکوتی که همه جا را فرا گرفته بود با سوادان کللیه و دمنه، و شاهنامه را در بین خانه ها میخواندند. جمعی دیگر اوقات شبانه را با قرائت اشعار حافظ، یوسف و زلیخا، ورقه و گلشاه و غیره می گذشتانند، مردان سیاسی و طرفداران شاه امان الله زمزمه های سیاسی را در خفاء و در حلقه های بسیار کوچک سر می دادند.» < ۱۶ >

اما وقتی مبارزات آزادیخواهی نیم قاره هند به اوج رسید و آفتاب امپراتوری برتانیه رو به غروب نهاد محمد هاشم خان گوشه گیر شد و به جایش برادر او شاه محمود خان در سال ۱۹۴۶ به حیث صدراعظم افغانستان مقرر گردید. شاه محمود خان در رابطه با اوضاع منطقه و نیز به خاطر «جبران مافات»، در جنوری ۱۹۵۱، قانون جدید مطبوعات را جاری نمود که به تاسی از آن جراید «وطن»، «ندای خلق»، «ولس»، «انگار»، «نیلاب» و «آئینه» در کابل و جریده «اتوم» در میمنه به نشرات آغاز نمودند.

پا به پای تأسیس جراید آزاد یا شاید کمی پیش از آن «حزب ویش زلمیان» ( جوانان بیدار ) «حزب وطن» و «حزب خلق» بنیانگذاری شد. جریده «ندای خلق» به زبان دری و با احساسات تند و تابنده دولت را می ماند و مردم را به خود جلب می نمود، اما جریده وطن از لحاظ سیاسی (معتدل و استدلالی) بود.

«در فضای آزاد آنوقت - که دیر نپائید - مقاله نویسی، شعر خوانی، و مطالعه آثار داخلی و خارجی بالنسبه فزونی یافت و اولین کتابفروشی شخصی به نام «یزدان پرست ایرانی» در یکی از بازار های کابل افتتاح گردید. کتابهایی که به میل روشنفکران و روحیه آزادیخواهی آنزمان برابر بود عبارت اند از:

آثار حکیم الهی - تاریخ مشروطه ایران - تاریخ انقلاب کبیر فرانسه - روح القوانین منتسکیو - تاریخ علوم - آثار سید محمد علی جمالزاده - آثار دهخدا - آثار صادق هدایت - آثار صادق چوبک - آثار کسروی - صور اسرافیل - دموکراسی امریکا - کلیات عشقی - کلیات عارف قزوینی - پروین اعتصامی - آثار استقن سوايگ المانی - جریده نسیم شمال - جریده نوروز - جراید دوره شاه امان الله - سراج الاخبار - آثار و مقالات محمود طرزی و غیره...» < ۱۷ >

با آمدن محمد داوود و تقریباً دهسال صدرات وی که همزمان با آن دوستی با شوروی آغاز گردید همه آزادی ها و مطبوعات ملی ممنوع قرار داده شد. بعد از استعفای محمد داوود ۱۹۶۳ در اول اکتوبر ۱۹۶۴ قانون اساسی جدیدی که در آن اعضای خانواده سلطنتی از مقام های صدارت و وزارت و وکالت ممنوع شده بود، توشیح و نافذ گردید. بنابر آن ۲۴ جریده ملی و آزاد که به سازمانهای سیاسی یا به حلقه های کوچک و یا به افراد متعلق بودند بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۱ به انتشارات انتقادی و سیاسی پرداختند. حد اکثر جراید به زبان دری نشر می شد و تعدادی نیز به زبان پشتوو برخی به هر دو زبان اشاعه می یافت.

در این مرحله نثر ساده و زیبا جلب توجه میکرد اما شعر کم کمک از قلمرو عروض و قافیه پا به حریم آزاد می گذارد و می خواست مضمون و معانی تازه بیفشاند. چون شعر آزاد از ۱۹۶۶ به بعد در جراید ملی و هم در جراید رسمی دولتی به خوانندگان پیش کش می شدند، در پایان یکی از نمونه های آنرا که سروده استاد واصف باختری می باشد می آورم.

### سرود روستا

بر این پاره بلند

بر این تگ درخت پیر

برین شاخه های خشك  
چه مرغان شب نورد  
که بستند آشیان  
در این دشت سارها  
چه شبهای نیمرنگ  
که پیچیده تا سحر  
نوای نی شبان  
در این کهنه روستا  
در این جلوه گاه غم  
در این چشمه سار رنج  
چه برزیگران پیر  
چه دوشیزگان مست  
چه پویش گران رزم  
که از یاد رفته اند...

اولین کودتای نظامی ۱۹۷۳ که به ظاهر نظام شاهي افغانستان را به نظام جمهوری تبدیل نمود جز مقدمه برای کودتای دوم ۱۹۷۸ و تهاجم نظامی شوروی «آنروز» به افغانستان ماهیت بیشتر نداشت.

فهرست منابع:

- ۱ - «زبان فارسی و همسایه های همزبان ما» از مجله آدینه ، شماره ۶۴ ، نوشته محمد امین ریاحی ، ص - ۱۴
- ۲ - «تاریخ ادبیات ایران» دکتور ذبیح الله صفا ، چاپ ایران
- ۳ - «مجله آدینه» ، شماره ۶۴ ، ص - ۱۵
- ۴ - افغانستان در مسیر تاریخ ، میر غلام محمد غبار ، مطبعه کابل ، سال ۱۳۶۴
- ۵ - همانجا
- ۶ - همانجا
- ۷ - «نثر دری در افغانستان» داکتر علی رضوی غزنوی ، تهران سال ۱۹۸۱ صفحه ۱۵ - ۱۶
- ۸ - «افغانستان در مسیر تاریخ» ص - ۶۵۳
- ۹ - «نثر دری در افغانستان» ، ص ۲۲
- ۱۰ - «افغانستان در مسیر تاریخ» ، ص ۶۵۶
- ۱۱ - از مقالات دکتور صاعد
- ۱۲ - افغانستان پرونکورات انگلیس بود و امور خارجی افغانستان به مشوره بریتانیا انجام می یافت .
- ۱۳ - «افغانستان در پنج قرن اخیر» ، میر محمد صدیق فرهنگ چاپ ویرجینیا ، سال ۱۹۸۸ ،
- ۱۴ - «نثر دری در افغانستان» ، ص ۲۶ - ۲۷
- ۱۵ - همانجا ، ص - ۵۱
- ۱۶ - از یادداشتهای دوکتور سید هاشم صاعد